

راهکارهای مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۹۰/۹/۳۰ تأیید: ۹۱/۱۱/۲۳ عبدالهادی فقهی‌زاده* و یونس اشرفی‌امین**

چکیده

امام خمینی علیه السلام با اعتقاد به جامعیت همه‌جانبه قرآن کریم، بر آن است تا در آثار مختلف خود و به طرق گوناگون راهکارهایی را برای مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن ارائه نماید. برخی از این راهکارها جنبه نظری و برخی دیگر جنبه رفتاری و عملی دارند. لذا تمسک به آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام، نگارش و تدوین تفاسیر سیاسی و اجتماعی شایسته، آزادی عقیده و بیان، تقویت خودباوری و خودشناسی و احیای اجتهاد همه‌جانبه قرآن‌محور در زمره راهکارهای نظری و برخی دیگر همچون تشکیل حکومت اسلامی، ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری، تقویت وحدت مسلمانان و تقریب میان مذاهب اسلامی، احیای امر به معروف و نهی از منکر و ترویج اقتصاد مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی قرآن از مهم‌ترین موارد و راهکارهای رفتاری و عملی مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های قرآن کریم به‌شمار می‌روند.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، مهجوریت قرآن، آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، مهجوریت‌زدایی، مصلحان دینی

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران:
feghhizadeh48@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن: ashrafyamin@gmail.com

مقدمه

عمل به آموزه‌های قرآن کریم، ضامن سعادت دنیا و آخرت انسانها است؛ چنانچه در مقاطعی از تاریخ ملل اسلامی، عمل به آموزه‌های آن باعث رشد و شکوفایی مسلمانان شده است. در حالی که امروزه در جوامع اسلامی، دیگر قرآن در عمل، مبنای روابط اجتماعی و سیاسی نیست و با تشریفات شدن نگاه به آن، صرفاً بُعد تخصصی و علمی آن بر سایر ابعاد غلبه یافته است و تنها گروههایی خاص و در زمانها و مکانهایی ویژه به آن مراجعه می‌کنند. برخی از عوامل مهجوریت را می‌توان چنین برشمرد: مهجوریت اهل بیت علیهم‌السلام، رواج عقاید باطل و مکاتب انحرافی، تضعیف جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، ازبین رفتن وحدت جامعه و تهاجم فرهنگی بیگانگان علیه اسلام. این در حالی است که مهجوریت قرآن پیامدهایی همچون شکایت خود قرآن و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مسلمانان و نزول عذاب الهی، گسترش فساد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ازبین رفتن آزادی و وابسته شدن مسلمانان به بیگانگان را به دنبال داشته است. در مقابل، عموم مصلحان دینی، همواره بر لزوم مراجعه به ابعاد سیاسی و اجتماعی قرآن کریم تأکید کرده‌اند. امام خمینی ره نیز با نگاه جامع به قرآن کریم، به احیای این قبیل آموزه‌ها پرداخت و عملاً توانست با تأسیس حکومتی مبتنی بر قرآن، آموزه‌های سیاسی و اجتماعی آن را به صحنه حیات اجتماعی برگرداند. بر این اساس، در مقاله حاضر برآنیم پس از بیان کلیاتی درباره مهجوریت قرآن و نگرش امام خمینی به ابعاد آن به تبیین راهکارهای مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن از دیدگاه این مصلح بزرگ دینی، اجتماعی و سیاسی پردازیم.

۱. جایگاه قرآن در اندیشه امام خمینی ره

قرآن کریم از دیدگاه امام خمینی ره، «سفره گسترده الهی» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۱۱۵)، «کتاب انسان‌سازی» (همان، ج ۳، ص ۲۳۰؛ ج ۷، ص ۲۸۵) و جامع معارف و حقایق اسماء و صفات الهی و هدایتگر به راه مستقیم (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳) است؛ چنانکه در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز جامعیت تام دارد و مشتمل بر همه چیز است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۴۸).

امام خمینی، خود عالم مصلحی بود که آیات قرآن را خواند و به آن عمل کرد و به دیگران یاد داد و تمام جهانیان را نیز برای عمل به آموزہ‌های قرآن کریم، فراخواند. او با کنارنہادن دین ساکن در صومعه و خرابات و اسلام در حاشیہ، نظریۂ دین در صحنہ، حیات دوبارہ شعائر اسلامی، اسلام مسؤل و دارای موضوع حکومتی و اجتماعی، اسلام تکلیف‌گرا، عمل‌گرا و معطوف بہ حکومت را مطرح کرد. لذا احیای اندیشہ‌هایی کہ از حالت تئوری بہ حالت عملی، ارتقاء نیافتہ بودند از اقدامات ایشان بود. او دیانت و سیاست را جمع کرد و «چون صدرالمآلہیین و سایر عرفا، جهانی نشد بنشستہ در گوشہ‌ای» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۸۰). از این رو، با تبلیغ و ترویج اسلام ناب و ارائهٔ کاربردی و عملیاتی نظریاتی همچون «حکومت اسلامی» و «ولایت فقیہ» در عمل، خواستار تحقق آموزہ‌های سیاسی و اجتماعی در جامعہ گردید.

امام خمینی علیه السلام همان‌گونه کہ بہ کاربردی کردن آموزہ‌های قرآن در جوامع اہتمام ورزید، خود انس فراوانی با کلام الہی از حیث تلاوت، تدبر و تفسیر داشت. ایشان معتقد بودند قرائت قرآن با رعایت آداب آن می‌تواند زمینہ‌ساز درک آموزہ‌های آن باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۴-۲۲۰). همچنین در نامۂ اخلاقی - عرفانی خود بہ فرزندشان؛ سیداحمد خمینی (رہ) - در سال ۱۳۶۱ - می‌فرماید:

فرزندم! با قرآن، این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو؛ اگرچہ با قرائت آن و راہی از آن بہ سوی محبوب، باز کن و تصور نکن کہ قرائت بدون معرفت، اثری ندارد کہ این وسوسۂ شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای ہمہ کس و نامۂ محبوب، محبوب است؛ اگرچہ عاشق و محب، مفاد آن را نداند و با این انگیزہ، حب محبوب کہ کمال مطلوب است بہ سراغت آید و شاید دستت گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۲۱۱).

۲. معنای مہجوریت در لغت و اصطلاح

مہجوریت^۱ از ریشۂ «ہجر» گرفته شدہ و «مہجور»، اسم مفعول آن است. گروہی از لغویان، ہجر را ضد وصل (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۵۰؛ جوہری، ۱۴۰۷ق، ج ۲،

ص ۸۵۱؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۶، ص ۳۴) و مهجور گذاشتن را به ترک کردن، معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۵۲؛ الزبیدی، ۲۰۰۷م، ج ۱۴، ص ۲۲۱؛ انیس ابراهیم، ۱۳۷۴، ص ۹۷۳). از این رو، «مهجور» و «هجیر» به معنای متروک به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۵۶؛ الزبیدی، ۲۰۰۷م، ج ۱۴، ص ۲۲۴؛ انیس ابراهیم، ۱۳۷۴، ص ۹۷۳). صاحب «کتاب العین»، مهجوریت را ترک چیزی می‌داند که انسان در مقابل آن تعهد دارد (الفراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۸۷)^۲ و مراد از سخن پیامبر ﷺ در ذیل آیه ۳۰ سوره فرقان را مهجوریت خود پیامبر ﷺ و قرآن برمی‌شمارد (همان). راغب اصفهانی نیز بر آن است تا بیان کند که مراد از مهجوریت در آیه مزبور، دوری قلبی و یا قلبی و زبانی از قرآن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ص ۸۳۳). مصطفوی نیز «هجیر» را به معنای «ترک چیزی همراه با وجود نوعی ارتباط با آن» معنا کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۲۴۰).

برخی از مفسران، منظور از مهجوریت قرآن را متروک کردن آن و ایمان‌نیابردن به آن تفسیر کرده‌اند.^۳ عده‌ای دیگر، از مهجوریت به اعراض مردم از قرآن و هدایت و عدم توجه به آن تعبیر کرده‌اند.^۴ بنابراین، مهجور کردن قرآن، به معنای عدم درک درست اهمیت و جایگاه قرآن کریم و ترک آموزه‌های آن و نوعی بی‌توجهی به این کتاب آسمانی از روی غفلت است.

امام خمینی رحمته‌الله از پرداختن صرف مسلمانان به مسائل ظاهری قرآن، گلایه می‌کند و ضمن انتقاد شدید از بسنده کردن به ظواهر و مسائل سطحی، می‌فرماید: «آیا اگر ما این صحیفه الهیه را مثلاً جلدی پاکیزه و قیمتی نمودیم و در وقت قرائت یا استخاره بوسیدیم و به دیده نهادیم، آن را مهجور نگذاشتیم؟...» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۸). ایشان همچنین از پرداختن برخی از ظاهرگرایان به علوم قرآن، بدون توجه، تدبر و تفکر در آیات آن، مخالفت کرده و از اینکه علوم قرآن را صرفاً در «معانی عرفیه عامیه و مفاهیم سوقیه وضعیه می‌دانند» و کار آنان منحصر در «دستورات صوریه ظاهریه» است، انتقاد می‌کند (همان، ص ۲۹۰) و آن را «نشاختن حق قرآن و ناقص دانستن شریعت» برمی‌شمرد (همان، ص ۲۹۱). از این رو، با انتقاد شدید از گرویدن به ظاهر، توقف در

ظاهر را مرگ و هلاکت و جهالت دانسته و نخستین کسی را که به ظاهر توجه نمود، شیطان می‌داند که با نگاه به ظاهر آدم و بدون توجه به باطن و مقام وی، سرپیچی کرده و گمراه شد (امام خمینی، ۱۳۵۹، ص ۱۰۸). ایشان در باب سوم از مقاله سوم کتاب «آداب الصلوة»، از برخی ظاهرگرایان انتقاد می‌کند که به جای اهتمام به معارف ناب، خود را صرفاً در ظواهر متوقف ساخته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۴).

۳. راهکارهای مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن کریم

حضرت امام، معتقد است علی‌رغم آنکه قرآن برای مسلمانان همه چیز آورده است، خود مسلمانان، عملاً آن را مهجور کرده‌اند؛ به این معنا که «استفاده‌ای که باید از آن بکنند، نکردند» (همان، ج ۱۲، ص ۳۲۰). ایشان ضمن اینکه احکام سیاسی و اجتماعی اسلام را مهجور می‌داند (همان، ج ۱۸، ص ۴۶۳)، با اشاره به شکوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امت خود و با نیم‌نگاهی به وضعیت کنونی جهان اسلام، علت عمده مشکلات مسلمانان را عمل نکردن به آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن معرفی می‌کند (همان، ج ۱۶، ص ۳۴-۳۳).

امام خمینی رحمته الله علیه بر آن است تا اثبات نماید که آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، بیشتر از مطالب عبادی آن است (همان، ج ۲، ص ۲۵۵؛ ج ۵، ص ۱۸۸؛ ج ۳، ص ۲۲۷) و نسبت آیات اجتماعی و سیاسی قرآن به آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۱۱). ایشان روایات و حتی مسائل فقهی را سرشار از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند،^۵ ولی مسلمانان، این آموزه‌ها را کنار گذاشته و تنها به بُعد ضعیف آن توجه کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۳). امام خمینی رحمته الله علیه تلاش می‌کند تا ثابت کند که حتی عبادات نیز توأم با سیاست است و سیاست اسلام، عبادت است (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۸). از این رو، احکام عبادی را منشأ خدمات اجتماعی و سیاسی شمرده (همان، ص ۶۲) و آیات اخلاقی قرآن را هم سیاسی و اجتماعی می‌داند.

برخی از راهکارها و اندیشه‌های امام راحل در حوزه اعتقادی و فکری بود که از آن

با عنوان «راهکارهای نظری» یاد شده و برخی دیگر از مطالبِ راهگشای ایشان در حوزه رفتار است که در مقاله حاضر با عنوان «راهکارهای عملی»، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، امام خمینی علیه السلام بر پایه نگرش جامع به دین، به فکر چاره‌جویی افتاده و دو نوع راهکار نظری و عملی را برای مهجوریت‌زدایی از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن ارائه کرده است. در این قسمت به اختصار، پیرامون شاخه‌های فرعی هر کدام از آنها بحث می‌کنیم.

۳-۱. راهکارهای نظری

۳-۱-۱. تمسک به قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام

تمسک به قرآن، یک فرمان الهی است که مسلمانان باید به آن عمل کنند: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (زخرف (۴۳): ۴۳). از این رو، هر کس به قرآن چنگ بزند، در صراط مستقیم الهی قرار دارد. قرآن کریم خود یکی از راهکارهای مهجوریت‌زدایی از قرآن در بعد سیاسی و اجتماعی را ایمان‌آوردن به کلام الهی و پیروی از آموزه‌های آن دانسته (انعام (۶): ۵۴؛ زمر (۳۹): ۱۸) و به کسانی که به سوی خدا و قرآن بازگردند، وعده نعمت‌های الهی داده است (هود (۱۱): ۵۲).

امام خمینی علیه السلام راه حل مشکلات جوامع اسلامی را در بازگشت به قرآن و اسلام زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جست‌وجو می‌کند و تأکید می‌کند که مسلمانان تا به اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله برنگردند، مشکلاتشان حل نخواهد شد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۸۹). منظور از بازگشت به قرآن و اسلام نخستین نیز برگشت به شیوه زندگی مسلمانان صدر اسلام نیست، بلکه منظور، آن است که مسلمانان خود را از محکومیت آراء و اندیشه‌ها و ظواهر تمدن امروز رها سازند (طالقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱).

مصلحان دینی و اجتماعی در حرکت‌های اصلاح‌گرایانه خود، همواره به قرآن توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. به گفته «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» تا زمانی که قرآن در میان مسلمانان حضور واقعی دارد و در زندگی مادی و معنوی مسلمانان رهبر آنهاست، بقا و جاودانگی آنان قطعی است (اسدآبادی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۱-۱۱۰؛ موثقی، ۱۳۷۵، ج ۱،

ص ۳۲۷). او قرآن را تنها منبع کامل دانش‌ها و اخلاق آرمانی دانسته و با تکیه بر بازگشت به اسلام نخستین و قرآن، معتقد است که مسلمانان باید به قرآن بازگردند و آموزه‌های آن را در زندگی‌شان اجرا کنند (اسدآبادی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۳۷). «طالقانی»، «اقبال لاهوری» و «محمد عبده» نیز بر ضرورت بازگشت به اسلام راستین و منابع اصیل نخستین تأکید کرده‌اند (امین، بی‌تا، ص ۳۲۷؛ ابوزر، ۱۳۵۹، ص ۳۵۹ و ۳۸۹؛ بقایی، ۱۳۷۹، ص ۴۰؛ احسن، ۱۳۶۵، ص ۱۶۶-۱۶۵)؛ چنانکه «سید قطب»، تنها راه چاره و درمان یگانه را، راهیابی به آیین الهی و چنگ‌زدن به دستورات آسمانی برمی‌شمارد (سید قطب، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷) و بازگشت به خدا و قرآن را منحصر در یک راه می‌داند و آن «بازگرداندن همه امور زندگی به آیین خدا و منهج الهی است که مقررات آن در قرآن کریم برای بشریت روشن شده است» (همان، ص ۲۳).

مسلمانان در کنار عمل به قرآن، باید به اهل بیت علیهم السلام نیز تمسک کنند؛ زیرا آن بزرگواران، مصادیق بارز انسان کاملند و طبق «حدیث ثقلین»، انسان کامل، همتای قرآن کریم است و از آنجا که قرآن، مصون از هرگونه نقص است، پس اهل بیت علیهم السلام نیز منزّه از هر جهل و اشتباه هستند. بنابراین، امکان ندارد که قرآن، مصون از نقص باشد و آنان معصوم نباشند، یا قرآن، صدق محض و حق باشد، ولی آنان احیاناً دچار اشتباه شوند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ (الف)، ص ۶). افزون بر آنکه جدایی‌ناپذیری قرآن و عترت، از آنجا که خبری غیبی است، لازمه صدق و صحت آن، بقای اهل بیت علیهم السلام تا قیامت و همچنین نشانه عصمت و علم امام به معارف و حقایق قرآنی و نیز اشتغال قرآن بر احکام و معارف ضروری و سودمند برای بشر و مصونیت آن از تحریف است (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۵۰).

یکی از روشهای تمسک به اهل بیت علیهم السلام، الگو قرار دادن آنان از سوی مسلمانان است؛ زیرا ائمه در سراسر حیات خود همواره به اصول ذلت‌ناپذیری، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی پایبند بوده‌اند. ^۶ از این رو، امام خمینی علیه السلام به مسلمانان توصیه می‌کند که به اهل بیت علیهم السلام تمسک کنند تا به سعادت برسند: «با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این

بزرگ‌راه‌نمایان عالم بشریت به‌طور شایسته و به‌جان و دل و با جان‌فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳۹۹).

برخی از مصلحان دینی و اجتماعی نیز تمسک به روش ائمه معصومین در مسائل اجتماعی و سیاسی را به‌مثابه راهکاری مهم، مطرح کرده‌اند. برای نمونه «کواکبی»، ضمن ستایش سیره سیاسی اهل بیت عصمت و طهارت و اشاره به ظلم‌ناپذیری و عزت‌طلبی ائمه علیهم‌السلام، از آنان با عنوان عالمان آزاده و نیکوکار یاد می‌کند که مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت و ریا ترجیح داده‌اند (کواکبی، ۱۳۷۸، ص ۵۶-۵۵).

حضرت امام، شهادت امام حسین علیه‌السلام را «سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۴۰۳) و رمزی قرآنی برای پیروزی دانسته (همان، ج ۶، ص ۵۰۳) و قیام عاشورا را در رأس مسائل سیاسی برمی‌شمارد و عزاداری سیدالشهداء را از نظر سیاسی، بسیار مفید می‌داند و ضمن تأکید بر برپایی مجالس عزاداری برای اهل بیت؛ به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۰) از آن به‌عنوان عامل پیروزی مؤمنان یاد می‌کند (همان، ج ۱۱، ص ۴۸۶) و به‌علما توصیه می‌کند که بعد سیاسی کربلا را برای مردم بیان کنند (همان، ج ۱۸، ص ۱۷۷). از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله برای پیاده‌شدن آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، باید به فرهنگ عاشورا و امام حسین علیه‌السلام تمسک کرد (همان، ج ۱۵، ص ۲۲۷) و در راه قرآن، شهید شد تا این هدف تحقق یابد (همان، ص ۲۵۸).

۳-۱-۲. نگارش و تدوین تفاسیر سیاسی و اجتماعی شایسته

برخی از مهم‌ترین مبانی اندیشه‌های سیاسی در قرآن کریم را می‌توان چنین برشمرد:
 ۱. اختصاص حاکمیت، ولایت و سرپرستی مادی و معنوی تام برای خداوند و رسول اکرم و اولیای خاص ایشان (مائده: ۵): ۴۳-۴۲ و ۵۵؛ یوسف: ۱۲): ۴۰).

۲. اثبات حکومت و خلافت برای برخی از پیامبران؛ مانند داود و سلیمان علیهم‌السلام (نمل: ۲۷): ۲۰ و ۲۶؛ نساء: ۴): ۵۴).

۳. اثبات امامت و رهبری سیاسی و اجتماعی برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه علیهم‌السلام و منصوبان

- آنان (نساء: ۴): ۵۹؛ مائده (۵): ۶۷.
۴. اثبات حکومت برای برخی از حاکمان صالح؛ مانند طالوت و ذوالقرنین (بقره: ۲): ۲۴۶-۲۴۷؛ کهف (۱۸): ۸۴-۸۳.
۵. اعلام داوری و رفع خصومت بین مردم، به مثابه وظیفه پیامبران (نساء: ۴): ۵۸ و ۶۵؛ مائده (۵): ۴۲؛ انبیاء (۲۱): ۷۸.
۶. دعوت قرآن به کار جمعی و شورایی (شوری: ۴۲): ۳۸؛ آل عمران (۳): ۱۵۹.
۷. برشمردن عدالت‌گستری، ظلم‌ستیزی و مبارزه با فساد و تباهی، به مثابه وظیفه مؤمنان (بقره: ۲): ۲۷۹؛ هود (۱۱): ۱۱۳؛ نساء (۴): ۵۸؛ نحل (۱۶): ۹۰؛ ص (۳۸): ۲۸؛ حج (۲۱): ۴۱.
۸. کرامت انسانی و احترام به حقوق انسان (اسراء: ۱۷): ۷۰.
۹. امر به جهاد و مبارزه با طاغوتها، مستکبران و زورگویان و فراهم کردن امکانات نظامی (بقره: ۲): ۲۱۸؛ تحریم (۶۶): ۹؛ نساء (۴): ۷۵؛ انفال (۸): ۶۰؛ اعراف (۷): ۵۶.
۱۰. نفی هرگونه ذلت و سلطه‌پذیری و عزت را مخصوص خدا و مؤمنان دانستن (منافقون (۶۳): ۸؛ محمد (۴۷): ۳۵؛ هود (۱۱): ۱۱۳؛ آل عمران (۳): ۱۴۶ و ۱۴۹).
- امام خمینی، با تقسیم آیات قرآن کریم به دو دسته علمی و عملی، تأکید می‌کند که علما باید آیات عملی را نیز برای عموم مردم تبیین کنند (امام خمینی، بی‌تا، ص ۳۲۲-۳۲۱)؛ چنانکه برخی از علمای اسلامی در قرون اخیر با همین اندیشه به سوی قرآن مجید رفته و در تفسیر خود به مشکلات زمان پرداخته‌اند. محمد عبده، با اهتمام به تنظیم زندگی اجتماعی مسلمانان بر اساس قرآن، در تفسیر خود به مشکلات کنونی مسلمانان و علل عقب‌ماندگی آنان و برانگیختن امت به انقلابی قرآنی، پرداخته است (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸۵-۴۸۴). مفسران دیگری مانند علامه «فضل الله»، «قاسمی» و «مراغی» نیز کم و بیش این شیوه را در پیش گرفته‌اند. علامه فضل الله، تفسیر موضوعی را دو نوع می‌داند: در نوع اول، فرد سراغ قرآن می‌رود تا ببیند چه موضوعاتی در آن مطرح شده است و سپس آنها را استخراج می‌کند؛ مانند مسأله هدایت، رجعت، عصمت و... در نوع دوم، شخص سراغ مشکلات سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه رفته و پس از

استخراج آنها، سراغ قرآن می‌رود تا ببیند که قرآن چه راه حلی ارائه می‌کند (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۳۲) که نوع دوم آن از اهمیت فراوانی برخوردار است.

۳-۱-۳. تقویت خودشناسی و خودباوری

یکی از راههای اصلاح جامعه و عمل به آموزه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن، تقویت روحیه خودشناسی و خودباوری است. این راهکار در مقابل خودباختگی و از خودبیگانگی است و منظور از آن، این است که مسلمانان به خودآگاهی انسانی، اسلامی، تاریخی و فرهنگی برسند و با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف خود، به خویشتن تکیه کنند و به تقویت نقاط قوت خود پردازند.

امام خمینی علیه السلام از مسلمانان می‌خواهد که به خودشناسی و خودباوری پردازند و به خود متکی باشند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۵۳۳؛ ج ۱۵، ص ۳۱۰). از نظر ایشان، جوانان همواره باید به دو نکته توجه داشته باشند: یکی اعتماد به خداوند و دیگری اعتماد به نفس (همان، ج ۱۸، ص ۱۸۹).

برخی از مصلحان دینی نیز به این راهکار، اذعان کرده‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی با اشاره به استقلال همه‌جانبه مسلمانان (امین، بی‌تا، ص ۱۰۷) و مبارزه با خودباختگی مسلمانان و پرهیز از انزوا و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی (موثقی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۱۴) بر آن است که «دستیابی به استقلال، تنها با واژه‌پردازی، ممکن نیست» (لوین، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰)؛ بلکه باید عملاً در این مسیر، گام برداشت و در همه امور به استقلال دست یافت. از نظر اقبال لاهوری، خودشناسی رشته اتصال اجزای جهان و نظام عالم هستی است. اقبال، معتقد بود غرب فاقد ایدئولوژی جامع انسانی است (مطهری، بی‌تا، ص ۵۲-۵۰) و مسلمانان باید با کسب شناخت کافی از فرهنگ غرب، به ارزشها و فرهنگ اسلامی خود تکیه کنند و تقلید از غرب را کنار بگذارند و متکی به خود گردند (بقایی، ۱۳۷۹، ص ۴۴).

۳-۱-۴. آزادی عقیده و بیان

آزادی عقیده، مهم‌ترین نوع آزادی در حیات بشر است. قرآن کریم ضمن دعوت

به راه حق، همگان را در انتخاب آن، آزاد گذاشته (بقره (۲): ۲۵۶؛ زمر (۳۹): ۱۴ و ۱۵؛ کافرون (۱۰۹): ۶؛ کهف (۱۸): ۲۹) و ضمن شخصیت‌دادن به انسان، وظیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تنها تبلیغ معرفی کرده است (مائده (۵): ۹۹ و ۹۲؛ آل عمران (۳): ۲۰؛ نحل (۱۶): ۳۵ و ۸۲؛ نور (۲۴): ۵۴؛ یس (۳۶): ۱۷؛ شوری (۴۲): ۴۸؛ بقره (۲): ۲۷۲؛ تغابن (۶۴): ۱۲). از این رو، انسان باید خود، راه هدایت را برگزیند و الا اگر خداوند اراده کند، می‌تواند همه را هدایت کند (نحل (۱۶): ۹؛ یونس (۱۰): ۹۹؛ چنانکه از دیدگاه امام علی علیه السلام، آزادی، بزرگ‌ترین موهبت الهی به جامعه انسانی است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

امام خمینی علیه السلام آزادی را «نعمت بزرگ الهی» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۷؛ ج ۷، ص ۳۶۷) و از «حقوق اولیه بشر» (همان، ج ۵، ص ۴۳) می‌داند و با تأیید اصل آزادی و اذعان به وجود آزادی رأی و بیان در زمان پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام، (همان، ج ۶، ص ۲۷۷) بین آن و هرج و مرج، قانون‌شکنی، توطئه، توهین به مقدسات و فساد و بی‌بند و باری، تفاوت قائل است (همان، ج ۷، ص ۵۳۶؛ ج ۱۰، ص ۹۲؛ ج ۸، ص ۳۸، ۶۵ و ۱۱۹؛ ج ۷، ص ۳۲۰؛ ج ۹، ص ۳۴۴؛ ج ۱۰، ص ۷؛ ج ۱۴، ص ۴۰۴). ایشان ضمن پذیرش آزادیهای سیاسی، اجتماعی و فکری در چارچوب قرآن و اسلام (همان، ج ۷، ص ۵۳۶-۵۳۵)، آزادی بدون قرآن را نفی (همان، ص ۴۸۶) و اذعان کرده است که ما خواهان آزادی در پناه قرآن هستیم (همان، ج ۸، ص ۶۵).

در میان مصلحان دینی نیز سید قطب، معتقد است که قرآن و اسلام، به مسلمانان آزادی بخشیده است و از پیروان خود می‌خواهد که غیر از خدا در مقابل هیچ کس خاضع نگردند و از یوغ بردگی آدمیان بیرون آیند (سید قطب، بی‌تا، ص ۲۱۱-۲۱۰)؛ چنانکه کواکبی، قرآن را سرشار از آموزه‌های ضد استبدادی، معرفی و همواره به نابودی استبداد و احیای عدل و مساوات تأکید کرده است (کواکبی، ۱۳۷۸، ص ۹۹).

۳-۱-۵. احیای اجتهاد همه‌جانبه قرآن‌محور در اندیشه و عمل دانشمندان

امام خمینی علیه السلام، اعتقاد دارد که «همیشه باید باب اجتهاد باز باشد» و نظرات گوناگون

آزادانه عرضه شوند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۷۷). تحقیق و اجتهاد از وظایف حوزه‌های علمیه است (بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۳۹۳) و باید امروزه در جامعه علمی پویا باشد. بنابراین، احیای اجتهاد قرآن‌محور، ضمن آنکه با جمود و خشک‌ذهنی، مقابله می‌کند، زمینه تحقق عملی آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن را نیز فراهم می‌نماید.

دانشمندان مسلمان از سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده تا اقبال لاهوری و دیگران نیز قائل به انفتاح باب اجتهاد بوده‌اند. سیدجمال، بسته‌بودن باب اجتهاد را امری بی‌معنا دانسته و عقیده دارد که بزرگان علما در طول تاریخ به اجتهاد پرداخته و هیچ کس را از اجتهاد منع نکرده‌اند. البته چنین نیست که به همه ابواب و اسرار قرآن پرداخته شده باشد (امین، بی‌تا، ص ۱۱۳). محمد عبده نیز به احیای اجتهاد پرداخته و خواستار افزایش محدوده افرادی است که حق تفسیر آیات قرآن کریم را دارند (لوین، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰). وی همچنین اندیشه فقه مقارن در مذاهب چهارگانه و ایجاد نظام فقهی و حقوقی جدید را - که پاسخگوی مسائل روز باشد - مطرح کرده است (مطهری، بی‌تا، ص ۳۶). اقبال لاهوری نیز قائل به تأسیس مجمع قانونگذاری اسلامی، متشکل از اندیشمندان مسلمان است (اقبال، ۱۳۴۸، ص ۱۹۸).

۲-۳. راهکارهای عملی

مهم‌ترین راهکار رفع مهجوریت قرآن کریم، عمل به آموزه‌های آن است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ...» (انعام: ۶). امام علی علیه السلام نیز در روایتی، علم پایدار را علم همراه با عمل دانسته و می‌فرماید: «علم، همنشین عمل است. پس کسی که دانست، باید به آن عمل کند و علم، عمل را فرا خواند. اگر [عمل] پاسخش را داد می‌ماند، وگرنه کوچ می‌کند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۶).

امام خمینی رحمته الله علیه، مصداق «اعتصام بحبل الله» را عمل به کتاب خدا برشمرده (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۵۳۴)، خواستار تبعیت از قرآن و عمل به آیات اجتماعی و سیاسی آن می‌گردد (همان، ج ۱۵، ص ۴۷۳). از این‌رو، باید حضور قرآن در عرصه سیاست و اجتماع به‌طور ملموس احساس شود. حضرت امام، ضمن تأکید بر تحقق

آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن در جامعه، امتیاز بزرگ انقلاب اسلامی را نیز در این می‌داند که توانست این آموزه‌ها را به جامعه بازگرداند (همان، ج ۲۱، ص ۳۹۶).

۳-۲-۱. تشکیل حکومت اسلامی

برخی از آیات قرآن کریم، بر جهانی بودن تعالیم آن دلالت دارند^۱ که یکی از لوازم آن تشکیل حکومت اسلامی است؛ چنانکه ائمه اطهار، یکی از اهداف مهم خود را تشکیل حکومت قرآنی و حکومت عدالت دانسته‌اند. امام حسین علیه السلام، هدف قیام خویش را احیای دین خدا و اصلاح امت و اجرای احکام تعطیل شده الهی معرفی می‌کند (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۳۰-۳۲۹). از این رو، برخی از مفسران؛ مانند علامه طباطبایی (ره) نیز برقراری حکومت اسلامی در زمان غیبت معصوم علیه السلام را ضروری می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴، ص ۱۲۳).

امام خمینی رحمته الله علیه، مهم‌ترین وظیفه انبیاء را برقراری نظام عادلانه اجتماعی دانسته و با اشاره به آیاتی از قرآن کریم؛ مانند (حدید(۵۷): ۲۵؛ انفال(۸): ۴۲؛ نساء(۴): ۵۹، یکی از اهداف بعثت پیامبران را برپایی حکومت حق در جهان برشمرده (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۰۷) و برقراری حکومت را یکی از اهداف قیام امام حسین علیه السلام می‌داند (همان، ج ۲، ص ۳۷۲). امام خمینی رحمته الله علیه اذعان می‌کند که هرکس اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی، ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (همان، ص ۲۸).

ایشان تشکیل حکومت عدل الهی را یکی از ابعاد قرآن کریم می‌داند (همان، ج ۱۹، ص ۷-۸) و ضمن واجب دانستن برپایی حکومت (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۷-۴۰۶)، معتقد است که اساس حکومت در قرآن آمده است (همان، ج ۱۷، ص ۲۵۲) و لذا باید برای تشکیل حکومت اسلامی، تلاش کنیم (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۹) تا این حکومت، قوانین قرآن و اسلام را اجرا کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۰۱). ایشان تشکیل حکومت را همیشگی و برای همه مسلمانان دانسته (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۴۹) و می‌گوید: «ما می‌خواهیم قرآن، حکومت کند بر ما» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۸۳).

برخی از دلایل لزوم تشکیل حکومت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام عبارتند از:
 الف) تشکیل حکومت توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ضرورت استمرار اجرای احکام
 (همان، ص ۲۹-۲۸)؛

ب) سیره حضرت علی علیه السلام در برقراری حکومت (همان، ص ۳۱)؛

ج) لزوم تشکیل حکومت در روایات (همان، ص ۴۶-۴۵)؛

د) لزوم وحدت کشورهای اسلامی (همان، ص ۴۲)؛

ه) لزوم نجات مردم مظلوم (همان)؛

و) ماهیت و کیفیت قوانین اسلام؛ مانند احکام مالی، دفاع ملی، حقوقی و جزایی
 (همان، ص ۳۵-۳۴).

مصلحان دینی دیگری نیز بر تشکیل حکومت اسلامی تأکید کرده‌اند. اقبال لاهوری،
 اصلی‌ترین عامل تجدید حیات ملی برای مسلمانان را شکل‌گیری «ملت اسلامی» با
 مرکزیت و محوریت خانه کعبه برمی‌شمارد (بقایی، ۱۳۷۹، ص ۴۴-۴۳). از نظر اقبال
 لاهوری، بهترین نوع حکومت، جمهوری اسلامی است که طبق قرآن و اسلام راستین
 است (مقدم صفیاری، ۱۹۹۲م، ص ۲۴۰-۲۳۹). در دیدگاه سید قطب هم امت اسلامی،
 زمانی تحقق می‌یابد که در سرزمین اسلامی، مردم طبق شریعت خداوند، زندگی کنند و
 آموزه‌های قرآن در جامعه پیاده شود (سید قطب، بی‌تا، ص ۱۱۲).

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، اداره جامعه اسلامی، همواره باید بر عهده افراد
 شایسته باشد (اعراف (۷): ۱۹۶). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فردی لیاقت و شایستگی حکومت را دارد که دارای سه خصلت باشد:

۱. تقوا و پرهیزگاری که او را از نافرمانی خدا بازدارد؛ ۲. بردباری که خشمش
 را با آن کنترل کند؛ ۳. نیکو حکومت کردن بر افراد تحت فرمان تا آنجا که
 نسبت به آنان مانند پدر، مهربان باشد (کلینی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۰۷).

امام علی علیه السلام نیز راه چاره سامان‌یافتن امور را در شایستگی زمامداران می‌داند
 (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) و در نامه خود به «مالک اشتر» به مشورت و آزمایش افراد
 در گزینش، اشاره و تأکید می‌کند که در انتخاب افراد، جز تقوای پیشگی، تجربه، حیا و

صلاحیت و ایمان، مد نظر قرار نگیرد (همان، نامه ۵۳).
 برخی از اصول اخلاقی و ویژگی‌های حاکمان و مسؤولان شایسته از دیدگاه امام خمینی عبارتند از:

۱. ایمان: مؤمن از نظر امام خمینی علیه السلام «کسی است که قلبش حضور حق و احاطه قیومی آن ذات مقدس را دریافته باشد و عظمت و جلال او را وجدان کرده باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۹۲).

۲. تقوا: حضرت امام، تقوا را برای همه لازم و برای مسؤولان لازم‌تر می‌داند و معتقد است اگر مسؤولان تقوا نداشته باشند، این بی‌تقوایی به کل جامعه سرایت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۱۲۳-۱۲۲).

۳. تزکیه و تهذیب نفس: امام خمینی علیه السلام ضمن واجب و ضروری دانستن آن برای حاکمان و مسؤولان، تصریح می‌کند که «اگر انسان خودش مهذب نباشد، نمی‌تواند دیگران را تهذیب کند» (همان، ج ۱۵، ص ۵۰۵).

۴. اخلاص: (همان، ج ۱۷، ص ۴۴۳).

۵. ساده‌زیستی و نداشتن اخلاق کاخ‌نشینی و سرمایه‌داری: (همان، ج ۴، ص ۳۹۵؛ ج ۱۹، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ ج ۱۷، ص ۳۷۴).

۶. قانون‌گرایی: (همان، ج ۱۴، ص ۳۷۸؛ ج ۱۱، ص ۲۲).

۷. روحیه مشورت‌طلبی: (همان، ج ۱۵، ص ۳۸۰).

۸. مهرورزی، خوشرویی و خوش اخلاقی: از نظر امام خمینی علیه السلام «حکومت بر قلوب»، برتر از «حکومت بر ابدان» است (همان، ج ۱۴، ص ۱۷۹).

۹. مجاهدت (نساء(۴): ۹۵)، برخورداری از تعهد و بصیرت و آگاهی به زمان (همان، ج ۶، ص ۵۰۹؛ ج ۲۰، ص ۲۹۵).

۱۰. خدمت‌گزاری برای محرومان جامعه: امام خمینی، با بیان این نکته که محرومان جامعه بر کاخ‌نشینان جهان برتری دارند، معتقد است عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین جامعه وجود ندارد (همان، ج ۲۰، ص ۳۴۲).

۱۱. امانتداری: امام خمینی علیه السلام به مسؤولان توصیه می‌کند که در حفظ امانت حاکمیت

و مسؤولیت دقت کنند و آن را به اشخاص امین و شایسته، تحویل بدهند (همان، ج ۱۸، ص ۷۹-۷۸؛ ج ۱۷، ص ۲۳۸).

نظریه امام خمینی درباره حاکمیت دینی، برپایی حکومت مبتنی بر ولایت فقیه است که آن را از امور اعتباری عقلایی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۶۵) و با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، این نظریه را اثبات می‌کند (همان، ص ۶۹-۵۹ و ۷۷-۷۵ و ۱۰۷-۷۸ و ۱۲۳). ایشان مشروعیت حکومت را به ولایت فقیه می‌داند و حاکمیت بدون آن را طاغوت، قلمداد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۲۱).

۲-۲-۳. ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری

قرآن کریم، ضمن محکوم کردن هرگونه سازش با دشمنان، به مسلمانان دستور می‌دهد که هیچ‌گاه به سمت دشمنان، میل پیدا نکرده و با آنان صلح و سازش برقرار نکنند (آل عمران (۳): ۱۴۶ و ۱۴۹؛ هود (۱۱): ۱۱۳) و از برادران دینی و مظلومان، حمایت و پشتیبانی کنند: «وَلَمَنْ آتَصَّرَ بَعْدَ ظَلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» (شوری (۴۲): ۴۱).

امام خمینی علیه السلام با اشاره به آیات قرآن کریم در نفی ستم‌پذیری می‌گوید: «همان‌طوری که ظلم حرام است، انظلام و تن‌دادن به ظلم هم حرام است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۱۱۷). ایشان با استناد به روایاتی همچون: «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)، ظلم‌ستیزی را تکلیفی الهی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۳۷) و ضمن آنکه سازش با بیگانگان را خودباختگی و خیانت به اسلام و مسلمین برمی‌شمارد، به مسلمانان توصیه می‌کند که هیچ‌گاه با بیگانگان سازش نکنند و از مردم می‌خواهد که خواهندگان سازش با بیگانه را طرد کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۹-۵۸؛ ج ۱۲، ص ۱۴۸).

امام خمینی در سال ۱۳۴۳ شمسی در پیام مهمی به مردم ایران، ضمن مخالفت شدید با تصویب لایحه کاپیتولاسیون، با استناد به آیه «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء (۴): ۱۴۱)، تصریح می‌کند که کافران هرگز نباید بر مؤمنان

چیره و غلبه داشته باشند. از این رو، مسلمانان باید راه هرگونه سلطه را بر دشمن ببندند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۱۰-۴۰۹). ایشان اعلام می‌دارد که دشمنان تلاش زیادی می‌کنند تا مسلمانان را از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، دور نگه دارند؛ زیرا که می‌دانند «هرگز خدای تبارک و تعالی، سلطه‌ای برای غیر مُسَلِم بر مُسَلِم قرار نداده است» (همان، ج ۴، ص ۳۱۷).

امام خمینی علیه السلام یکی از آموزه‌های مهم سیاسی قرآن را عدم سلطه کفار بر مسلمانان می‌داند و اذعان می‌کند که این اصل سیاسی قرآن در عمل، مهجور واقع شده است و تأکید می‌کند که مسلمانان نباید تحت نظارت بیگانه یا تحت بیرق کفر باشند (همان، ج ۱۱، ص ۴۲۵) و با اتحاد و همکاری یکدیگر، همه مسلمانان را از زیر سلطه بیگانگان خارج کنند (همان، ج ۱۵، ص ۴۹۸). از نظر ایشان، اگر زمانی بین کشورهای اسلامی و بیگانگان، اختلافاتی به وجود آید، باید از حکومت‌های اسلامی جانبداری کرد (همان، ج ۱، ص ۷۷). امام خمینی، همچنین بر لزوم حمایت از مسلمانان فلسطین، اشاره کرده و می‌فرماید: «هر کس در هر کجا که مظلوم باشد ما طرفدار او هستیم» (همان، ج ۵، ص ۱۴۸).

۳-۲-۳. برقراری روابط دوستانه میان مسلمانان، به جای بیگانگان

مسلمانان با داشتن حدود یک و نیم میلیارد نفر جمعیت و میلیونها کیلومتر مربع مساحت زمینی و ذخایر عظیم زیرزمینی، معادن فراوان دیگر و داشتن مبانی مستحکم اعتقادی و آموزه‌های وحیانی می‌توانند در کنار هم زندگی محبت‌آمیز، برادرانه و دوستانه داشته باشند، لکن امروزه مشاهده می‌شود که برخی از حکومت‌هایی که مردم آن مسلمان هستند، با بیگانگان ارتباطات دوستانه‌ای دارند.

قرآن کریم در آیات متعددی، توصیه می‌کند که مؤمنان، کافران و دشمنان قرآن را به عنوان دوست انتخاب نکنند (آل عمران(۳): ۲۸؛ نساء(۴): ۸۹؛ مائده(۸): ۵۷). در آغاز سوره ممتحنه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ...» (ممتحنه(۶۰): ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن

خودتان را به دوستی برگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید... قرآن کریم به مؤمنان می‌گوید آیا عزت را نزد کافران می‌جوئید؟! (نساء(۴): ۱۳۹). آیا حجتی آشکار نسبت به عذابتان قرار می‌دهید؟! (نساء(۴): ۱۴۴)؛ در حالی که نتیجه دوستی با کافران، برانگیختن خشم خداوند و خلود در عذاب الهی است (مائده(۸): ۸۰). خداوند، ضمن هشدار به عدم دوستی با دشمنان، کسانی را که با آنان طرح دوستی می‌ریزند از جمله آنان به شمار آورده است (مائده(۸): ۵۱).

در روایات معصومان علیهم‌السلام نیز بر این نکته، تأکید فراوانی شده است که همه مسلمانان با دوستان برادران دینی خود دوست و با دشمنان آنان دشمن باشند. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «دوستان تو سه دسته‌اند: یکی دوست خودت، دوم دوست دوستت و سوم دشمن دشمنت و دشمنان تو نیز سه گروهند: یکی دشمن خودت، دوم دشمن دوستت و سوم دوست دشمنت» (نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵).^۹

سید قطب - از مصلحان دینی معاصر - معتقد است که مسلمانان جهان، باید با کشورهایایی که با قرآن کریم و مسلمین، دشمن هستند، قطع رابطه کنند. وی با اشاره به آیات قرآن مجید (ممتحنه(۶۰): ۹)، برقراری هرگونه دوستی، معاهده و همکاری با آن کشورها را حرام و نامشروع می‌داند (سید قطب، ۱۳۵۰، ص ۱۱۷-۱۱۶). او به تحریم سیاسی و اقتصادی دشمن، قائل بوده و بر غرب‌ستیزی تأکید داشته است (سلطانی فرد، ۱۳۸۶، ص ۸۷).

۳-۲-۴. تقویت وحدت مسلمانان و تقریب میان مذاهب اسلامی

قرآن کریم همه دین‌باوران موحد را به وحدت سفارش کرده و حتی از اهل کتاب خواسته است که با در نظر گرفتن اشتراکات، با مسلمانان همدل باشند (آل عمران(۳): ۶۴؛ عنکبوت (۲۹): ۴۶).

امام خمینی رحمته‌الله عدم اتحاد بین مسلمانان را یکی از بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات دانسته (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۱۶۹) و ضمن هشدار به این معضل سیاسی و اجتماعی، همواره مسلمانان دنیا را از تفرقه برحذر می‌دارد (همان، ج ۱،

ص ۳۳۴ و ۴۱۳؛ ج ۳، ص ۳۱۹، ۴۱۲ و ۴۸۴؛ ج ۵، ص ۵۱۶؛ ج ۶، ص ۸۴-۸۳). ایشان رمز پیروزی مسلمانان را وحدت دانسته و با تبیین برخی از آیات قرآن؛ مانند آیه ۱۰ سوره حجرات، به آسیب‌های اختلاف، پرداخته و اختلاف‌افکنی را گناه کبیره برشمرده است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۱۷۷)؛ چنانکه آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران (۳): ۱۰۳) را دستوری الزامی برشمرده (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۲۲) و از تمام مسلمانان، خواسته است که وحدت خود را حفظ کنند (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۴). آن امام فقید، همواره حکومت‌ها و دولت‌های اسلامی را به وحدت و یکپارچگی دعوت کرده است (همان، ج ۲، ص ۱۳۹). از نظر امام خمینی علیه السلام در اسلام اقوام و مذاهب گوناگون با هم برابرند و مسؤولان جامعه و مردم عادی در مقابل قانون با هم تفاوتی ندارند (همان، ج ۹، ص ۳۶۰؛ ج ۱۱، ص ۳-۲؛ ج ۶، ص ۴۶۴-۴۶۳).

برخی از مصلحان دینی، مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز تحقق وحدت را در سایه عمل به آموزه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن کریم می‌دانند (محیط طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۵). از نظر سیدجمال، مقصود از اتحاد، وحدت سیاسی است، نه وحدت مذهبی (امین، بی‌تا، ص ۱۰۶). او می‌گوید: «هرگاه امتی را دیدی که افرادش به وحدت و یگانگی تمایل دارند، به آن امت مژده بده که خداوند در جهان آفرینش برای آنان، آقایی و والایی و برتری بر سایر ملت‌ها مقدر کرده است» (اسدآبادی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۹۰؛ موثقی، ۱۳۷۵، ص ۳۲۵). «سیدعبدالحسین شرف‌الدین»؛ از پیشگامان عرصه وحدت اسلامی نیز معتقد است که اگر وحدت اسلامی تحقق یابد، مسلمانان در سایه اتحاد، برای اعتلای خود و نجات بشریت، قیام می‌کنند و سراسر زمین را مهر و دوستی، برکت و عشق، ترقی و حکومت عدل، فرا می‌گیرد (حکیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴-۱۲۳).

۳-۲-۵. احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم، امر به معروف و نهی از منکر را از اصول عملی اسلام، برشمرده و همه مسلمانان را به رعایت آن فرمان می‌دهد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران (۳): ۱۰۴).^{۱۰} در روایات نیز این اصل، پایه و اساس کارهای نیک دیگر، محسوب شده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

امر به معروف و نهی از منکر از نظر امام خمینی علیه السلام، وجهه رحمت رحیمیه است (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۷) و باعث اصلاح جامعه می شود (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۲۶۸). ایشان امر به معروف و نهی از منکر را واجب شرعی دانسته و اعتقاد دارد در یک جامعه، باید همه مردم امر به معروف و نهی از منکر باشند (همان، ج ۱۳، ص ۴۶۹)؛ چنانکه شهید مطهری نیز با اشاره به لزوم زنده کردن اصل امر به معروف و نهی از منکر، معتقد است که این اصل باید به صورت عملی - نه فقط زبانی - و در عین حال، اجتماعی - نه انفرادی - در جامعه، احیاء گردد (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۹۸).

۳-۲-۶. ترویج اقتصاد مبتنی بر آموزه های اخلاقی قرآن کریم

قرآن کریم، نظام اقتصادی خاصی دارد که متناسب با اهداف کلی خود بوده و خطوط کلی آن را ترسیم کرده است.^{۱۱} از این رو، یکی از راهکارهای رسیدن به سعادت، فراهم آوردن نیازهای مادی اوست. لذا در روایات اسلامی، بی نیازی مادی، وسیله ای برای رشد و تعالی انسانی مطرح شده است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تصریح کرده اند: «نعم العون علی تقوی الله الغنی» (حر عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۶).

امام خمینی نیز لازمه تحقق عدالت اجتماعی را اقتصاد سالم، معرفی کرده (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۴۴) و از علما و کارشناسان خواسته است که با طرحهای سازنده و برنامه ریزی اقتصادی بر مبنای قرآن و اسلام، وضعیت ناصحیح اقتصاد جهان اسلام را اصلاح کنند (همان، ج ۱۹، ص ۳۵۶).

امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر، فرمان می دهند که به کارگزاران و کارمندان خود حقوق مکفی بدهد تا به آنان در اصلاح نفس، یاری رساند و از دست درازی به اموال مردم بی نیاز سازد؛ چنانکه برای فقرزدایی از جامعه و رسیدگی به حال فقیران نیز سفارشهایی مانند قراردادن سهمی دائمی از بیت المال برای فقرا،

توزیع سهمی از مزارع دولتی به اقشار ضعیف، فراهم کردن امکانات به طور عادلانه به تمام نقاط جامعه، به عهده گرفتن سرپرستی افراد فقیر، رعایت عدالت و انصاف در حق ضعیفان، رسیدگی به یتیمان و سالمندان و نیازمندان و مهربانی با فقرا، فرمان داده‌اند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام خمینی علیه السلام نیز با تکیه بر رفع فاصله طبقاتی (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۹۳)، معتقد است دین اسلام، هیچ طبقه‌ای را بر طبقه دیگر، برتر ندانسته و با معرفی مستضعفان و مستمندان و زاغه‌نشینان به عنوان ولی نعمت همه (همان، ج ۱۸، ص ۳۸)، همواره خواستار رسیدگی به فقرا، محرومان و مستضعفان شده، همگان را موظف به نجات مردم مظلوم و محروم می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۰، ص ۴۳-۴۲) که بدون تردید، در اقبال مشتاقانه به اسلام و آموزه‌های اصیل آن مؤثر است.

۲-۷. تبیین آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن کریم در قالب آثار هنری و رسانه‌ای

قرآن کریم، خود در بیان مسائل اجتماعی از انواع شیوه‌های هنری کلام استفاده کرده و از این رهگذر، بر اثرگذاری آموزه‌های گوناگون اجتماعی افزوده است (نور، ۲۴):

۴۰-۳۹؛ اعراف (۷): ۱۷۶-۱۷۵.

از دیدگاه امام خمینی، هنری صحیح است که متعهد و در خدمت جامعه باشد. ایشان، تنها هنری را مورد قبول قرآن می‌دانند که «صیقل‌دهنده اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، اسلام ائمه هدی علیهم السلام، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه‌خوردگان تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت‌ها باشد». از نظر امام خمینی علیه السلام، «هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد». ایشان هنر را «نشان‌دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی» و «ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف و تجسیم تلخ‌کامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول» دانسته، می‌گوید: «هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ

عدالت و صفا، لذت می‌برند». بنابراین، «تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب و در رأس آنان آمریکا و شوروی را بیاموزد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۱۴۵).

حضرت امام، به‌طور کلی از رسانه‌ها با عنوان دستگاه‌های تربیتی یاد می‌کند و معتقد است که رسانه‌ها باید به مردم مطالب مفید و آموزنده برسانند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۵۳۷؛ ج ۹، ص ۱۷۶، ۲۰۴ و ۴۵۶؛ ج ۱۰، ص ۲۱ و ۲۱۴-۲۱۵؛ ج ۱۱، ص ۱۹۶). از نظر امام خمینی علیه‌السلام، رسانه‌ها باید در خدمت اسلام باشند و به منعکس کردن آرمانهای ملت (همان، ج ۷، ص ۳۲۳) و اصلاح جامعه (همان، ج ۱۰، ص ۲۹۰) پردازند. برخی از مصلحان دینی مانند اقبال لاهوری نیز به استخدام ابزار هنر در جهت اهداف دینی به‌عنوان یک راهکار برای ترویج آموزه‌های قرآن می‌نگرند (مطهری، بی‌تا، ص ۵۶-۵۰). بنابراین، باید با به‌کارگیری روشهای خلاقانه و نو در عرصه هنر و استفاده از رسانه‌ها، به ترویج آموزه‌های اجتماعی و سیاسی قرآن پرداخت و از آنها برای تحقق آرمانهای جامعه قرآنی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین راهکارهای اعتقادی برون‌رفت از مهجوریت آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن، می‌توان از تمسک به آموزه‌های قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام، نگارش و تدوین تفاسیر سیاسی و اجتماعی شایسته، تقویت خودشناسی و خودباوری، احیای اجتهاد قرآن‌محور یاد کرد؛ چنانکه مهم‌ترین راهکارهای رفتاری احیای آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن نیز عبارتند از: تشکیل حکومت اسلامی، اصلاح حاکمان و زمامداران، ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری، تقویت وحدت مسلمانان و تقریب میان مذاهب اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، ترویج اقتصاد مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی قرآن و تبیین آموزه‌های سیاسی و اجتماعی قرآن در قالب آثار هنری و رسانه‌ای.

یادداشت‌ها

1. Obsolescence.

۲. همچنین ر.ک: ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۲۵۲ و الزبیدی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱۴، ص ۲۲۴.
۳. ر.ک: فیض کاشانی، *الصادق*، ج ۴، ص ۱۱؛ آلوسی، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، ج ۱۰، ص ۱۴؛ فخر رازی، *مفاتیح الغیب*، ج ۲۴، ص ۴۵۵؛ نسفی، *التفسیر النسفی*، ج ۲، ص ۱۱۶۵؛ بلخی، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ج ۳، ص ۲۳۳؛ سیوطی، *تفسیر الجلالین*، ص ۳۶۵؛ ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، ص ۴۳؛ شوکانی، *فتح القدير*، ج ۴، ص ۸۵؛ حقانی دهلوی، *تفسیر حقانی*، ج ۳، ص ۴۱۲؛ بیضاوی، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، ج ۴، ص ۱۲۳.
۴. ر.ک: طوسی، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۷، ص ۴۸۶؛ ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۶، ص ۹۹؛ سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۵، ص ۲۵۶۱؛ فضل الله، *من وحی القرآن*، ج ۱۷، ص ۳۹؛ مغنیه، *تفسیر الکاشف*، ج ۵، ص ۴۶۶؛ خالدی، *صفوة العرفان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، ص ۳۸۳؛ مودودی، *تفهیم القرآن*، ج ۳، ص ۶۴۹.
۵. امام خمینی علیه السلام کتب حدیثی را نیز سرشار از آموزه‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند و اکثریت مطالب کتب روایی را مسائل اجتماعی و سیاسی برمی‌شمرد. در نظر ایشان از یک دوره کتاب حدیثی - که حدود ۵۰ کتاب است - سه - چهار کتاب مربوط به عبادات و مقداری هم مربوط به اخلاقیات است و اکثر باقی‌مانده، دارای مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است (ر.ک: امام خمینی، *ولایت فقیه*، ص ۱۱).
۶. متن حدیث حضرت به این صورت است: «أصدائک ثلاثة: صدیقک و صدیق صدیقک و عدو عدوک و أعدائک ثلاثة: عدوک و عدو صدیقک و صدیق عدوک».
۷. ر.ک: عباسعلی عمید زنجانی، *فقه سیاسی*، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۲۱.
۸. ر.ک: (انعام (۶): ۱۹؛ بقره (۲): ۱۸۵؛ آل عمران (۳): ۴).
۹. «همتا و عدل قرآن بودن به خود اهل بیت علیهم السلام برمی‌گردد، نه همه روایات منقول از آنان؛ زیرا چه بسا تحریف و اشتباه و ضعف، به برخی روایات راه یافته و از این رو، روایات مانند قرآن، معصوم و بی‌خطا نیستند تا شایستگی مصاحبت با قرآن را داشته باشند؛ بلکه این عترت پیامبرند که انسانهای کامل و معصوم و همتا و مصاحب قرآن به‌شمار می‌روند» (ر.ک: جوادی آملی، *قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه السلام*، ص ۱۳۱-۱۳۰).

۱۰. همچنين جهت آگاهی از آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر (ر.ک: آل عمران(۳): ۱۱۴، حج(۲۲): ۴۱؛ اعراف(۷): ۱۵۷؛ لقمان(۳۱): ۱۷).
۱۱. ر.ک: محمدحسین ابراهیمی، *اقتصاد در قرآن*، صفحه ۲۹ به بعد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۳۹۵ق.
۳. آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. ابراهیمی، محمدحسین، *اقتصاد در قرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التئور*، بی جا: بی نا، بی تا.
۶. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة* (۶ جلدی)، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۸. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب* (۱۵ جلدی)، بیروت: دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
۹. احسن، عبدالشکور، «اقبال و وحدت جهان اسلام»؛ ستوده، غلامرضا، «در شناخت اقبال»، *مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت علامه اقبال*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
۱۰. اسدآبادی، سید جمال الدین، عبده، محمد، *العروة الوثقی*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۱۱. اقبال لاهوری، محمد، *احیای فکر دینی در اسلام*، ترجمه احمد آرام، تهران: کانون نشر و پژوهش های اسلامی، ۱۳۴۸.
۱۲. الزبیدی، سید محمد مرتضی بن محمد الحسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس* (۴۰ جلدی)، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم و کریم سید محمد محمود، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۷م.
۱۳. امام خمینی، سید روح الله، *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳.

۱۴. -----، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
۱۵. -----، شرح دعای سحر، ترجمه سیداحمد فهری، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹.
۱۶. -----، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
۱۷. -----، کشف الأسرار، قم: پیام اسلام، بی‌تا.
۱۸. -----، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۱۹. امین، احمد، زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث، بیروت: دارالکتب العربی، بی‌تا.
۲۰. ابوذر (ناشر)، از آزادی تا شهادت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۵۹.
۲۱. انیس ابراهیم، منتصر عبدالحلیم، الصوالحی عطیه، خلف‌الله احمد محمد، المعجم الوسیط، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۲. بقایی، محمد، شرار زندگی، شرح اسرار خودی اقبال لاهوری، تهران: فردوس، ۱۳۷۹.
۲۳. بلخی، مقاتل‌بن‌سلیمان، تفسیر مقاتل‌بن‌سلیمان (۵ جلدی)، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۲۴. بهشتی، محمد، ولایت، رهبری، روحانیت، تهران: بقیه، ۱۳۸۳.
۲۵. بیضاوی، عبدالله‌بن‌عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله، بنیان مرصوص (امام خمینی (ره) در بیان و بنان آیه‌الله جوادی آملی)، گردآوری از محمدامین شاهجویی، قم: اسراء، چ ۷، ۱۳۸۴.
۲۷. -----، «پیام به چهارمین کنفرانس اسلام ناب محمدی در دالاس»، اطلاعات، ش ۲۴۲۵۴، تاریخ ۱۳۸۷/۵/۱۲ (الف).
۲۸. -----، قرآن حکیم از منظر امام رضا علیه السلام، ترجمه زینب کربلایی، قم: اسراء، ۱۳۸۷ (ب).
۲۹. -----، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: اسراء، ۱۳۸۴.
۳۰. جوهری، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة) (۶ جلدی)، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.

۳۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الى التحصیل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق.
۳۲. حقانی دهلوی، ابو محمد عبدالحق، تفسیر حقانی (۵ جلدی) (اردو)، کراچی: کتابخانه مرکز علم و ادب، بی تا.
۳۳. حکیمی، محمدرضا، شرف الدین، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.
۳۴. خالدی سلطان العلماء، محمد علی، صفوة العرفان فی تفسیر القرآن (۷ جلدی)، دوحه: بی تا، ۱۹۹۶م.
۳۵. راغب، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۸ق.
۳۶. سلطانی فرد، محمد حسین، ریشه ها و تاریخچه اصولگرای در مصر، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.
۳۷. سید قطب، چراغی بر فراز راه، ترجمه حسن اکبری مرزناک، تهران: امت، بی تا.
۳۸. -----، فی ظلال القرآن (۶ جلدی)، ترجمه مصطفی خرمدل، تهران: احسان، ۱۳۸۷.
۳۹. -----، ما چه می گوئیم، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، قم: دین و دانش، چ ۴، ۱۳۵۰.
۴۰. سیوطی، جلال الدین، محلی، جلال الدین، تفسیر الجلالین، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶ق.
۴۱. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، دمشق، بیروت: دار ابن کثیر، دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.
۴۲. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، بی تا.
۴۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۳ق.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴۵. عمید زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی (۱۰ جلدی)، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۴۶. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۴۷. الفراهیدی، أبو عبدالرحمن الخلیل بن أحمد، کتاب العین (۸ جلدی)، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
۴۸. فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۴۹. فیض کاشانی، محمد بن محسن، الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: الصدر، چ ۲، ۱۴۱۵ق.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.

۵۱. کواکبی، عبدالرحمان، طبایع الاستبداد، ترجمه عبدالحسین میرزا قاجار، تصحیح محمدجواد صاحبی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۵۲. لوین، زالمان ایساکویچ، اندیشه‌ها و جنبش‌های نوین سیاسی - اجتماعی در جهان عرب، ترجمه یوسف عزیزی بنی‌طرف، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۵۴. محیط طباطبایی، محمد، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۵۵. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
۵۶. مطهری، مرتضی، ده گفتار، قم: صدرا، ۱۳۶۱.
۵۷. -----، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، تهران: صدرا، بی‌تا.
۵۸. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۵.
۵۹. -----، «سیاست و حکومت در قرآن»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۰.
۶۰. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۲۴ق.
۶۱. مقدم صفیاری، شهین‌دخت، «اقبال و حکومت»، مجله اقبالیات فارسی، ش ۸، ۱۹۹۲م.
۶۲. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶۳. مودودی، سیدابوالاعلی، تفهیم القرآن (۶جلدی)، ترجمه اصغر آفتاب، لاهور: دارالعروبة للدعوة الإسلامية، ۱۴۱۷ق.
۶۴. نسفی، عبدالله بن احمد بن محمد، التفسیر النسفی (مدارک التنزیل و حقائق التأویل)، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۸ق.